بسمه تعالی



در سوگ خواهر عزیزم نادره

In loving memory of my sister Nadera

نادر حسن زاده

(تاریخ نشر ۱۳۹۶/۱۱/۱۸. نوزدهمین نسخه بازبینی ۱۴۰۴/۱۱/۶)

hasanzadehr@yahoo.com

در سوگ خواهرم نادره در آستانه مراسم هفتم او

In the memory of my sister, on the seventh day of her death in a car accident

(۱۳۹۶/۱۱/۱۸)

وقت غریبی است غریبم کجاست

مرگ عزیزی است عزیزم کجاست

من که ندیدم عزیزم کجاست

نادره دیدم ندیدم کجاست

تصادف منجر به فوت خواهر ساعت ۱۲:۳۸روز جمعه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۶در محور اردبیل- سراب و گردنه صائین روبروی راهدارخانه گردنه صائین به وقوع پیوست. او به همراه همسر با خودروی پژو پارس از سمت اردبیل به سمت تبریز در حال حرکت بودند که بعلت سرعت غیرمجاز و لغزندگی جاده از مسیر خود منحرف و حین چرخش به دور خود وارد مسیر مخالف می شود.

از بد حادثه خودروی سمندی که در مسیر خود در حال حرکت بود سر می رسد. راننده سمند برای جلوگیری از تصادم شدید، خودروی خود را به منتهی الیه سمت راست جاده هدایت می کند و با پهلوی راست به درب سمت راست جلوی خودروی پژو که خواهر نشسته بود برخورد می کند.

طبق نظریه کارشناسی خواهر از ناحیه اعضای بدن دچار مصدومیت شدید می شود. هر دو درب و ستون ماشین را می برند و خواهر را از داخل خودرو خارج می کنند.

عوامل اورژانس او را به مرکز درمانی شهرستان نیر (Nir) منتقل می کنند. اما بخاطر خونریزی داخلی در همان مرکز فوت می کند. همسر به بیمارستان فاطمی شهر اردبیل منتقل می شود و خواهر پس از چندی جان به جان آفرین تسلیم می کند.

عبرت های این تصادف:

۱. محل تصادف گردنه صائین بوده است. گردنه صائین یکی از دهستان‌های شهرستان سراب در استان آذربایجان شرقی است. مرکز این دهستان، روستای کلیان است. وسائل خواهر و همسر ایشان در پاسگاه کلیان نگهداری می شد (حوزه استحفاظی استان آذربایجان شرقی). این گردنه با تمام توسعه ایمنی راه هنوز در بین مردم به گردنه مرگ معروف است!
۲. مسئولیت کارشناسی علل تصادف و کشیدن کروکی بر عهده پلیس راه استان اردبیل بود.
۳. از آنجائیکه خواهر مصدوم به شهرستان نیر منتقل شده بود. جنازه او در سردخانه شهرستان نیر (حوزه استحفاظی استان اردبیل) نگهداری می شد.

از این رو گرفتن جنازه برغم مساعدتهای بیدریغ مسئولین هر دو استان بویژه پزشکی قانونی هر دو شهرستان سراب و نیر برای ما بسیار سخت بود. آدم اینجا می فهمد مردن در ناحیه مرزی دو استان چقدر سخت است.

گردنه صائین در جاده نیر- سراب یکی از مسیرهای حادثه خیز کشور حتی در روزهای غیر بارانی است.

در روز بعد از تصادف که ما پی گیر کار ایشان بودیم بعضا سرعت خودروها به۲۰ کیلومتر در ساعت می رسید. انحراف و توقف خودروهای سنگین در کناره های جاده کاملا مشهود بود. اما همه مسیر جاده نیر-سراب بلاخیز نبود. بلکه این جاده ۱۵-۱۰ کیلومتری گردنه صائین بود که دانه های بهم پیوسته برف با جریان باد لحظه ائی روی اسفالت جاده از حرکت باز نمی ایستاد و چون دیگر نقاط جاده ایمن تر بود کمتر راننده ائی رغبت داشت این مسیر کوتاه اما پر خطر را با زنجیر چرخ حرکت بکند.

اما شهرستان نیر (Nir) در ۳۱ کیلومتری شهر اردبیل، ۲۰ کیلومتری شهر سرعین و ۴۹ کیلومتری شهر سراب در استان آذربایجان شرقی واقع است.

قبل از اینکه مادر پیر ۸۴ ساله ام از مرگ خواهرم نادره کوچکترین فرزند خانواده حسن حسن زاده راستگاری با خبر بشود با این دو عزیز اینگونه نجوا می کردم:

نادره این نیر کجاست

راه تو از نیر کجاست

مادر پیرت کجاست

پیر شدم نیر کجاست

نادره در هنگام فوت ۴۸ سال سن داشت. تنها فرزند او امیررضا ورشوچی چهار روز قبل خدمت سربازی خود را به پایان رسانیده بود. تا فامیل مادری از تهران برسند او چون کوه این بار غم را به تنهائی بر دوش کشیده بود.

نادره یک عمر در غربت زیست و یک عمر چون پدرش راستگو و درستکار بود.

غربت نادره در محل تصادف، در زمستان غیرعادی امسال، بارش شدید برف در هنگام بازگشت از سفر یک روزه خود به تبریز، جنازه سه روز مانده او در سردخانه شهرستان نیر، دشواری تحویل جنازه او، و بالاخره کالبد شکافی بدن مصدوم او کاملا مشهود بود. مراجعه به ادارات مختلف به سبب برف شدید برای ما چندان آسان نبود. بعضا بین تماس ما تا رسیدن به محل ملاقات چند ساعت طول می کشید و از این تاخیر ناخواسته خود مسئولین نگران می شدند.

اما وقتی من جنازه را با آمبولانس به تبریز می بردم (دوشنبه ۱۳۹۶/۱۱/۹) هوا آفتابی، سطح جاده ها خشک و سرعت آمبولانس بالای ۱۰۰ بود! گوئی همه چیز دست به دست هم داده بود که از ما عزیزی را بگیرد.

رفت بگوید که زمین آتش است

رفت بگوید که غریب غایب است

غربت این خواهر من تازه است

تربت او بر همه کس واجب است

من امیررضا را در ذهنم اینگونه دلداری می دادم:

مادر پرید

خوب هم پرید

کمتر کسی اینقدر پرید

****

راه ندیدم پرید

خاک ندیدم پرید

نادره بالا پرید

نادره والا پرید

به خودم می گفتم:

رفت که ایوان رسد

رفت که کیوان رسد

تا که زمین سر رسد

نادره پنهان رسد

****

نور از این خانه رفت

کوه از این خانه رفت

مادر این خانه رفت

شاهد این خانه رفت

****

ولع نادره برای دیدن مادر:

گفت از این خاک نرفتم هنوز

مادر خود را ندیدم هنوز

تازه نمردم نمیرم هنوز

تا که نبینم نمیرم هنوز

****

اما مشکل ما:

گفت به من خواهر تو مبتدی است

مشکل تو مشکل او مشتری است

گفت اگر زنده شود گل شود

گلپر او بار دگر زندگی است

در آستانه چهلمین روز درگذشت عطر گل یاس

زمان به سرعت گذشت. حین تایپ تاریخ بازبینی، اشتباها تاریخ ۱۱۳۹۶ درج شد! یک لحظه تعجب کردم این تاریخ چقدر از زمان ما دور است. ۱۰۰۰۰ سال ناقابل! اما برای کسانی که با سال نوری کار می کنند ده هزار سال عددی نیست که شگفتی آور باشد. با خود می گفتم رفتن او بی موقع بود اما در مشیت خدا هر اتفاقی به موقع است.

نادره بالنده رفت

نادره تابنده رفت

مادر خود دید و رفت (این بار که آنا برای چهلم نادره عازم تبریز بود گفت سر قبر نادره می رود)

چله خود دید و رفت

دیر زمانی نبود

طالع خود دید و رفت

خوش خبری با کسی است

خوشتر از این دید و رفت

خانه خود دید و رفت

مهلت خود دید و رفت

رخصت خود دید و رفت

از همه جا دید و رفت

بر همه جا دید و رفت

فاش نگفتند به ما

غصه کجا دید و رفت

اولین عید بدون حضور خواهر

(۱۳۷۹/۱/۳)

ماه خزیدن گرفت

باد وزیدن گرفت

راه رسیدن گرفت

خانه ما را گرفت

خواهر ما را گرفت

باد از اینور گرفت

خاک از آنور گرفت

برف به میدان گرفت

یخ سریع تر گرفت

کل زمین را گرفت

کل وزین را گرفت

کل فهیم را گرفت

فاصله دیدند مگر

فاصله ها را گرفت

عید عزیزان به خیر

عید عزیزم گرفت

فکر خطیرم گرفت

نادره فرمان گرفت

نادره خندان گرفت

نجوا با خواهر به زبان مادری (۱)

(۱۳۷۹/۱/۱۶)

سزوه کل چکرم بولی سوزاولسون (به حرف تو من کل می کشم تا حرف تو فضا را پر کند)

سنه بیدانه سوزاولسون (تک سخنی برای تو باشد)

قارامیش قارقا تز اولسون (کلاغ پیر زودتر بمیرد)

سنه بیر چاره چوخ اولسون (تا برای تو چاره ائی اندیشیده شود)

بهارون اولدی نوقولدی (بهار آمد چه شد)

آدمون گلدی نجولدی (آدمی که آمد چه شد)

منه بیر نامه گلیپدی (به من یک نامه ائی آمده)

سنه بیر نامه چوخ اولسون (یک نامه بیشتر برای تو)

آچارام ایل گلی اولسون (باز می کنم تا ایل گلی بشود)

گوزلیم نادره اولسون (خوشگلم نادره باشد)

هارا باخادیم کمال اولسون (هرجا نگاه کردم کمال باشد)

باقیسی اوقشاماخ اولسون (بقیه زاری و شیون باشد)

ب نه وقتی گلیل اولماق (این چه وقت مردن عروس است)

فاملین نازیسی اولماق (نازنین فامیل بمیرد)

گجه گیدسین سحر اولسون (شب برود صبح بمیرد)

اولومین چاره سی اولسون (برای مرگ چاره ائی باشد)

الله هین عالمی چوخ دی (خدا عوالم زیادی دارد)

سنه بیر دان سلام اولسون (از اینجا سلامی به تو)

بیزه اورادان سراغ اولسون (از آنجا سراغی بر ما)

نجوا با خواهر به زبان مادری (۲)

(۱۳۷۹/۱/۱۶)

گورمارام ته قالاسان (نمی گذارم تنها بمانی)

گوزلر اوچین ته یاتاسان (بخاطر زیبارویان تنها بخوابی)

باخارام گوزلروه (به چشمانت می نگرم)

جمعه گیجه تیز یاتاسان (شب جمعه زودتر بخوابی)

من آیا چوخ باخارام (من به ماه زیاد نگاه می کنم)

سنی اوزاق دان باخارام (به تو از دور نگاه می کنم)

گون اذانی دیررم (وقت نماز ظهر می گویم)

نادره خوشالار یاتاسان (نادره جان خوش بخوابی)

گج و گوندوز باخارام (شب و روز نگاهت می کنم)

سنی دیننن باخارام (به تو از دین نگاه می کنم)

سوز اولسا من دیررم (حرف داشتم می گویم)

سوزلروی من بولرم (حرف تو را من می فهم)

گونی گونر سایارام (هر روز بیشتر می شمارم)

گون روه گل سالارام (برای روزهای من گل آویزان می کنم)

دیلوه سوز سالارم (به دهانت سخن می گذارم)

گونوری مین سایارام (هر روزت را هزار روز می شمارم)

آنا آتان باخیری (آنا زیر چشمی نگاه می کند)

آنا سن سیزی قالیری (آنا بدون تو مانده است)

اوزون اولسان دیررم (بودی می گفتم)

آنا اورهدن قالیری (آنا با تمام وجودش می ماند)

خواهر من زود رفت

(۱۳۷۹/۲/۱۳)

خواهر من زود رفت

زور نداشت کوه رفت

کوه نرفت زود رفت

زود مگر زود رفت

خواهر من خانه است

(۱۳۷۹/۲/۱۳)

خواهر من خانه است

مادر این خانه است

همسر این خانه است

کوچه سوم برو

خانه دوم برو

در بزنی خانه است

در نزنی خانه است

زاده این خانه است

سر در این خانه است

نون و نمک خورده ایم

رنگ همین خانه است

زنگ همین خانه است

باز نپرسم کجاست

خواهر من خانه است

جنب همین خانه است

مادر تو و خواهر من زنده است

تقدیم به امیر رضای گل

(۱۳۷۹/۲/۲۵)

دور جهان بود جهان بود و رفت

سفره سوا بود سوا بود و رفت

قصه نگفتم طلا بود و رفت

خواهر من بود جدا بود و رفت

منتظرم باغ صبا گل کند

هرچه در اوست بار دگر گل کند

مادر گیتی به تو ارزان کند

محنت دیگر به ما کم کند

غصه مادر به تو کم کند

غصه خواهر به من کم کند

سر خاک خواهر

(۱۳۹۷/۳/۲۲برابر با ۲۲ ماه مبارک رمضان)

سر این خاک نشستم

سر این باغ نشستم

به تو از خانه نوشتم

به تو از چاره نوشتم

خبری از تو ندارم

خبری از تو نوشتم

همه جا نام تو باشد

همگان نام تو باشند

مگر این خانه نباشی

بروم خانه نباشی

پدرم رحمت او باد

خواهرم نصرت من باد

ختم قرآن

(۱۳۹۷/۳/۲۷)

امروز (دومین روز عید سعید فطر) ختم قرآن بنام تو کردم. جنت، حق تو باد. رحمت آن تو باد. منظر نذر تو باد. صفوت سعی تو باد. اصبح وقت تو باد. رافت شرط تو باد. ما را هم تو بخواه. خواهنده خداست- داننده خداست. یابنده تراست. سازنده خداست. فرصتی بود تو را خوانم فرصتی بود تو را سازم. با نفحاتی که خدا آموخته است. به دفعاتی که خدا افروخته است. خواهرم رحمت خدا بر آن تربت پاک ات باد. بر آن غربت یادت باد. پاک زیستی و پاک رفتی. پاینده تو باد- آکنده تو باد- تابنده تو باد- آینده تو باد.

خواهرم به تو هر روز سلام داده و دارم هنوز

(۱۳۹۷/۴/۲۰)

خواهرم خاک ندارد هنوز

خواهرم خواب ندارد هنوز

چونکه من یاد تو دارم هنوز

چونکه من نام تو دارم هنوز

یاد یاران تو دارم هنوز

یاد آلام تو دارم هنوز

نام تو خواب ندارد هنوز

یاد تو شاد ندارد هنوز

آسمان بار امانت به تو دادند هنوز

نامه ها داده و دارد هنوز

خواهرم نامه سلام است هنوز

کار این نامه زیاد است هنوز

در این خانه است

(۱۳۹۷/۵/۱۷)

مادر تبریز در این خانه است

خواهر تهران در این خانه است

عیب ندارد در این خانه است

اسم ندارد در این خانه است

خاطره دارد در این خانه است

نادره دارد در این خانه است

اعظم و اکرم در این خانه است

نادر و ناصر در این خانه است

خانه ندیدم در این خانه است

دختر مادر در این خانه است

خواهری تازه نفس/خواهری مانده قفس

(۱۳۹۷/۶/۳۰)

خواهری خانه فروغ

خواهری خانه غروب

سالها خانه نداشت

خودروی جاده نداشت

بعدها خانه خرید

خودروی خانه خرید

رفت صائین شلوغ

دید بالین دروغ

خودروی پیله سوار

بر تو زد پیل سوار

جاده را با تو ندید

کمر نیم تو دید

رفتم او را ببرم

به کجا من ببرم؟

گفتند از نیر(Nir) ببرم

خانه اما نبرم

خانه مخروبه نبود

خانه منظومه نبود

آخر صحبت من

خواهرم پیر نبود

خواهرم سیر نبود

مرگ او خوب نبود

شوهرش خوب نبود

خانه خواهر

(۱۳۹۷/۷/۵)

خواهر من خانه اول نخواست

خانه ۲ خانه سوم نخواست

خواهر پاکیزه من خانه داشت

سهم پسر سهم برادر نخواست

خواهرم نادره

(۱۳۹۷/۷/۵)

ای خاطر من خاطر من خاطره از من

ای نادر من نادر من نادره از من

این قوم ز حج رفته کجایند ببینند

در خاطر من نادر من نادره از من

گذری کرد و برفت

(۱۳۹۷/۷/۳۰)

گذری کرد و برفت

از گذر ما که نرفت

گذران تا بروند

او گذری کرد و برفت

او را همواره یاد کرده و خواهم کرد. ذکر نام و خاطرات او در نوشته های دیگر من "در ایران چه خبر است؟" (۱۳۹۶) ،"حوادث مهم پارسال (۱۳۹۶)"، "اسلام نجات بخش (۱۳۹۷)"،"فلسفه خواندن نماز آیات (۱۳۹۷)" و"انسان متعالی با قوای متعالی (۱۳۹۸)" در همین سایت قابل جستجو است.

سلامی در مسیر گورستان وادی رحمه

(۱۳۹۷/۸/۱۱)

خواهر من سلامی جز تو ندارم به شب

غصه ندارم به شب جز تو ندارم به شب

راه ندادند به شب تا که ببینم به شب

جز تو ندیدم به شب جز تو ندارم به شب

سالگرد خواهر دلدارم نادره

(۱۳۹۷/۱۱/۶)

خواهرم خاطر دیدار دلم بود که بود

عاقبت غمزه دیدار دلم بود که بود

از تو پرسم که پسر جای پدر بود که بود

سالگرد دل بیمار دلم بود که بود

سالگرد خواهر دلبندم نادره

(۱۳۹۷/۱۱/۶)

سال تو دیدم ندیدم تو را

مائده دیدم ندیدم تو را

جای دگر گفت ندیدم تو را

نادره دیدم ندیدم تو را

یادآوری حادثه دلخراش تصادف منجر به فوت مرحوم نادره

(۱۳۹۷/۱۱/۱۰)

راه دویدن گرفت

راهی ما را گرفت

از در و دیوار گرفت

تا که خدا را گرفت

نیر نبود او گرفت (شهرستان Nir)

نیمه راه هم گرفت

پرده برون دیده گفت

از بر ما را گرفت

پر پر ما را گرفت

سرعت این روزگار

سرعت ما را گرفت

سالگرد با یک ماه فاصله مرحوم پدر و نادره

(۱۳۹۷/۱۱/۱۱)

فصل زمستان رسید

سوز زمستان رسید

هرچه ندیدم رسید

مرگ پدر دی رسید (زاده ۱۳۰۶/۱۱/۲ و درگذشته ۱۳۹۰/۱۰/۱۰)

خواهر من پی رسید (زاده ۱۳۴۸/۵/۸ و درگذشته ۱۳۹۶/۱۱/۶)

مرگ سراسیمه بود

دهم دی (مربوط به مرحوم پدر)

ششم بهمن رسید (مربوط به مرحوم خواهر)

نادره جانم عیدت مبارک

(۱۳۹۸/۱/۳)

نادره جانم کجاست

مطلع جانم کجاست

عیدی حالم کجاست

دیده بر او دوخته ام

دیده ماهم کجاست

عین جواهر کجاست

عین علامت کجاست

دیده از این بیشتر

بیشتر از اینم کجاست

هرنه اولدی بیزه اودی

(۱۳۹۸/۳/۳)

هر نه اولدی بیزه اولدی

قیشمیز بیر گونده اولدی

ایلیمیز بهمن اولدی (آقاجان ۱۰ بهمن ۱۳۹۰ و نادره ۶ بهمن ۱۳۹۶)

سوراسی تبریزده اولدی

یادت بودم من

(۱۳۹۸/۵/۱۸)

نادره یادت بودم من

بر تو زمان دیدم من

بر تو مقام دیدم من

ساحل عاج دیدم من

دیده برات دیدم من

سفره تمام دیدم من

مادر شاد دیدم من

ماتم شاد دیدم من

ماه تمام دیدم من

هرچه شعف دیدم من

بر تو روا دیدم من

غصه هایم

(۱۳۹۸/۶/۶)

برای غصه هایم غصه خوردم

نشستم تا به صبح من غصه خوردم

اگر دیدم عزیزم خواهرم نیست

به قصد خواهرم من غصه خوردم

راه صائین

(۱۳۹۸/۱۰/۲۴)

خواهرم امروز صبح بعد از نماز بصورت کوتاه خواب تو را دیدم. فهمیدم تنها فاتحه نمی خواهی. یاد هم می خواهی. افزودن خاطرات در این فایل هم می خواهی. روحت شاد. ما را هم دعا کن.

خواهرم جای تو خالی

جان تو بر سر این راه برفت

راه صائین–راه شاهین

رهنما بر سر راه این راه برفت

تو بیا

(۱۳۹۹/۲/۷برابر با دوم ماه مبارک رمضان ۱۴۴۱ ه.ق)

همه دورند تو بیا

دیدی از آن دور بیا

سحری کن تو بیا

ماه خداست زود بیا

اولن قالان

(۱۳۹۹/۴/۲۵)

کیملر اولوپ

کمیلر قالیپ

بیزندن بیری گورده قالیپ

اونان چوخی یرده قالیپ

یادمیندا گل بالاسی

یاخینددا گل آتاسی

بر سر قبر خواهر

(۱۳۹۹/۶/۶)

مادر من خواهر من

قبر پدر مادر من

دوره مکن خواهر من

قبر دگر ساغر من

ساعت من ساحت من

ای تو فقط قامت من

در سومین سالگرد خواهر محرومم

(۱۳۹۹/۱۱/۶)

خواهر خوبی که رفت

مادر خوبی که رفت

اصلح ما بود و رفت

افسر ما بود و رفت

خواب ندید خواب رفت

آب ندید آب رفت

جاده بی تاب رفت

در چهارمین سالگرد رحلت خواهر محرومم نادره

(۱۴۰۰/۱۱/۶)

خواهر من جان من

جانب جانان من

هرچه گذشت یاد توست

یاد من هم یاد توست

سرور و سالار ما

همسفر نور ماه

نام نهادند تو را

نادره گفتند تو را

نام به این نام ها

نام تو دادند به ما

نام برانداز توست

کار فرحناز توست

می رسد آن روزگار

ما همه در راه تو

یاد سزاوار تو

غصه ما روز و شب

یاد کند روز تو

زنده کنم نام تو

نام نگهدار تو

فقر معمای تو

در پنجمین سالگرد رحلت خواهر محرومم نادره

(۱۴۰۱/۱۱/۶)

بو دنیایه چوخلی گلیپ گیدیپدی

بعضیلری اویناماميش گیدیپدی

بعضیلری دوراماميش گیدیپدی

مینده بیری گونلر اولوپ گیدیپدی

بیزیم باجی قِش اوتونا گیدیپدی

گشتا مینیپ گیش ماشینا گیدیپدی

گوز یاشینی بیزه گوروپ گیدیپدی

ماشین دریپ ساغ بولینه اولوپدی

یازیخ باغچی قاردا فالیپ اولوپدی

بیزلره بیر قانی پیچاق گروپدی

در ششمین سالگرد رحلت خواهر کوچک من نادره

(۱۴۰۱/۱۱/۶)

خواهر من!

بنده این خاک شدیم

آخر این خاک شدیم

خانه تبریز شدیم

خانه زنبور شدیم

فرصت دیروز شدیم

مهلت امروز شدیم

درد زیاد، دنده شدیم

وقت زیاد، رنده شدیم

فرصت ماست محو شدیم

رخصت ماست دفع شدیم

اینهمه وقت سخت شدیم

وقت دگر سرد شدیم

یک سره آواره شدیم

آنچه نبودیم شدیم

ما که نخواستیم شدیم

نادره! تبعید شدیم

نادره! تنبیه شدیم

باز نشد کوسه شدیم

باز نخورد کوره شدیم

نام بیآر نامه بیآر

سوک دگر بار شدیم

وارد امروز شدیم

غصه شدیم پیر شدیم

نادره ناهید شدیم (ابتلای ناهید به سرطان)

درد دو اندوه شدیم

خوب نبود دود شدیم

بس که از او دور شدیم

در هفتمین سالگرد رحلت خواهر عزیزم نادره

(۱۴۰۲/۱۱/۶)

خاک نگهدار تو باد

آب بنکدار تو باد

چله پرستار تو باد

میوه پس انداز تو باد

خواهر خوبم تو بخواب

مژده رسید باز بخواب

یک سفر انجام تو باد

هر سفر افکار تو باد

در امان، بار تو باد

روزگار شام تو باد

مادرت یاد تو باد

خواهرت راز تو باد

پسرت کار تو باد

شوهرت خاک تو باد

غصه ائی داشت نداشت

این شما، شور تو باد

میوه سی دوزلی اولوپ

سینه سی سوزلر اولوپ

گونلری گوزلی اولوپ

همه در سایه ببین

همه در خانه ببین

سر این خواهر من

مرگ این خواهر من

مادرم خواهر من

خواهرم مادر من

پدر هم مادر من

کم نبود غصه من

غصه در سینه من

من و من مویه من

غم من روزی من

سرو من سایه من

بسپارم به تو من خانه من

هفتمین خانه تو خاطر من

در هشتمین سالگرد رحلت خواهر عزیزم نادره

(۱۴۰۳/۱۱/۶)

قاب عکس تو را دیدم

چنانکه صبح دیدم

برای خود دیدم

هوای شب بودم

به روی چشم دیدم

برادرت بودم

به شرح صدر دیدم

بزن بریم دیدم

نرو بمان دیدم

در نهمین سالگرد رحلت خواهر عزیزم نادره

(۱۴۰۴/۱۱/۶)

حبه انگور بدستت نبود

شیره انگور به کامت نبود

نادره بودی به نامت نبود

خواهر و مادر به یادت نبود

دیدم از این دور گناهت نبود

بودی از آن دور ملالت نبود

شکر خدا را که دیگر نبود

نسخه تو بودی تناسخ نبود